

The Holy Quran's Strategies for Confronting Enemies' Ideological Foundations: Cognitive and Soft Warfare

✉ **Mohsen Javadi Sadr**  / Assistant Professor at the Department of Islamic Speculative Theology (Kalam) and Philosophy, Imam Hossein University m.j.sadr@chmail.ir
Seyyed Rouhollah Musavi / Assistant Professor at the Department of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Hossein University
Received: 2025/01/12 - **Accepted:** 2025/04/07 srmoosavi1360@chmail.ir

Abstract

The Islamic teachings and knowledge are founded on reason. They provide a comprehensive program for man's life both for this world and the hereafter. The enemies of monotheistic religions and the followers of Satan relentlessly undermine belief in monotheism and religiosity through various tactics. Attacking ideological foundations has long been employed and persists today in diverse forms. Meanwhile, the Holy Qur'an encourages its followers to counter such assaults. The battle between truth and falsehood has existed since man's creation and entails specific strategies. Cognitive warfare targets beliefs and minds to control individuals' perception of their surroundings. In the Qur'an, cognitive warfare focuses on enemies' intellectual domains and ideological foundations. Using descriptive-analytical method, this library-based research shows that God and His prophets have outlined strategies for cognitive warfare. On the one hand, it is essential to undermine enemies' convictions and weaken their morale against God and His signs. To unveil their weakness, one should demand them to present their proofs. A purposeful discreditation of their theorists is another strategy to counter them. On the other hand, for believers, there are some strategies including preserving unity, seizing opportunities, and maintaining scientific superiority.

Keywords: strategy, cognitive warfare, the Holy Qur'an, ideological foundations, struggle.

نوع مقاله: ترویجی

راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با مبانی اعتقادی دشمنان با محوریت جنگ شناختی و نرم

m.j.sadr@chmail.ir

srmoosavi1360@chmail.ir

کماله محسن جوادی صدر  / استادیار گروه کلام و فلسفه اسلامی دانشگاه افسری امام حسین (ع)

سیدروح‌الله موسوی / استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه افسری امام حسین (ع)

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

آموزه‌های و معارف دین مبین اسلام مبتنی بر عقل شکل گرفته و برنامه‌ای مدون و کامل را برای زندگی دنیوی و اخروی بشر به ارمغان آورده است. دشمنان ادیان توحیدی و رهروان شیطان برای از میان بردن اعتقاد به توحید و دینداری، تمام تلاش خود را کرده و با حرب‌های مختلف دست به عمل زده‌اند. از دیرباز حمله به مبانی فکری مورد استفاده بوده و امروزه نیز به صورت‌های مختلفی اعمال می‌شود. در این میان، قرآن کریم نیز برای مبارزه با آن، پیروان خویش را ترغیب نموده است. جنگ میان حق و باطل، از روز اول خلقت انسان وجود داشته است. این نوع جنگ، راهبردهای خاص خود را دارد. جنگ شناختی عبارت است از: حمله به باورها و اذهان برای کنترل شناخت افراد نسبت به جهان پیرامون آنها. جنگ شناختی در قرآن عرصه‌های فکری و مبانی اعتقادی دشمنان را هدف قرار داده است. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خداوند متعال و پیامبران او، راهبردهایی را برای جنگ شناختی بیان کرده‌اند. از یک سو نسبت به دشمنان لازم است در باورهایشان تزلزل ایجاد کرد و روحیه آنان را در مقابل خداوند متعال و آیات او تضعیف کرد و برای نشان دادن ضعف او، درخواست برهان کرد. تخریب هدفمند نظریه پردازان آنان نیز راهبرد دیگری در این عرصه است. از سوی دیگر، راهبردهایی نیز جزء وظایف خودی‌هاست که می‌توان به حفظ وحدت برای موحدان، بهره‌گیری از فرصت‌ها و حفظ برتری علمی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، جنگ شناختی، قرآن کریم، مبانی اعتقادی، مبارزه.

مقدمه

علیه دشمنان اقدام کرده و مسلمانان را نیز به انجام چنین عملیاتی ترغیب نموده است (حجرات: ۶ و ۱۲؛ بقره: ۴۲).

در راستای این موضوع می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد: کتاب‌های جنگ نرم (شریفی، ۱۳۸۹؛ رنجبران، ۱۳۸۸؛ عبدی، ۱۳۹۰)، که هریک امتیازاتی دارد؛

کتاب *استکبارستیزی در قرآن* (فرقانی، ۱۳۸۳) نیز در این موضوع نکات نابی را بیان داشته است؛

مقاله «مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب» (بابائیان و تالاندرستی، ۱۴۰۲)؛

مقاله «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن» (عراقی و دیگران، ۱۴۰۱)؛

مقاله «دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه» (حقی و دیگران، ۱۴۰۳)؛

مقاله «بررسی مبانی اعتقادی و قلمرو برائت در پرتو آیات و روایات» (پناهی و رضوی، ۱۳۹۶).

نوآوری نوشتار حاضر نسبت به سایر تحقیق‌ها نگاهی عمیق‌تر به راهبردهای قرآنی جنگ شناختی است.

سؤال اصلی این است که قرآن کریم چه راهبردی را برای مبارزه با مبانی فکری دشمنان به وسیله جنگ شناختی بیان نموده است؟ این تحقیق بر اساس منابع وحیانی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است.

۱. جنگ شناختی، نرم و روانی

جنگ شناختی از انواع جنگ‌ها به‌شمار می‌آید. این نوع جنگ بر خلاف جنگ سخت و نیمه‌سخت، بدون هزینه‌های نظامی است. این نوع جنگ با عناوین مختلفی مانند جنگ نرم و یا روانی شناخته می‌شود. مفهوم اصلی جنگ روانی عبارت است از: «استفاده طراحی‌شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸).

تهدید نرم نیز مجموعه اقداماتی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. تهدید نرم نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از

تردیدی در این نیست که خداوند متعال، رسولانی را برای هدایت بندگان به سوی حق و عدالت برگزیده و به میان مردمان فرستاده است. پیامبران الهی برای رسیدن به هدف والای خویش، همواره مورد تعرض، خیانت، اتهامات، ضربات روحی و جسمی بودند. این اقدامات عموماً توسط افرادی انجام می‌گرفته که مخالف دعوت رسولان الهی بودند و با گرویدن مردم به آنها، منافع مادی خویش را در خطر می‌دیدند. اقداماتی که مخالفان رسولان الهی علیه آنان و مؤمنان به آنها مرتکب می‌شدند، جنبه‌های مختلفی را دربر می‌گرفت. تحمیل جنگ نظامی و شکنجه پیامبران و پیروان آنان از طرفی و به راه انداختن جنگ روانی علیه آنان از سوی دیگر، از سری اقداماتی بوده که توسط این افراد، انجام گرفته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره: ۲۱۷)؛ و فتنه [شرک و بت‌پرستی] از کشتار بزرگ‌تر است و مشرکان همواره با شما می‌جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند. در این آیه از جنگ دائمی دشمنان با دینداران خبر داده شده است. البته این جنگ دائمی بسته به موقعیت‌های زمانی و مکانی و شرایط فرهنگی و علمی، شکل و شمایل خاص خود را پیدا می‌کند. مجموعه عملیات روانی که توسط دشمنان انجام گرفته، امروزه با عناوینی چون «جنگ نرم» یا «شناختی» معروف است. جنگ شناختی جنگی است که در آن هدف ایجاد دید منفی در مردم و القای یأس و نومیدی در آنهاست. این نوع جنگ مردم را ترغیب به انجام کنش‌های اعتراض‌آمیز و اختلاف و شکاف در میان جامعه مخاطب، به‌ویژه نسل جوان کرده و بر وجود ناامنی اجتماعی و نیز انتشار اخبار جعلی و غیرواقعی و ایجاد هراس و نگرانی در میان افکار ملت‌ها دامن می‌زند (هاشمی و کیانا، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۲۶). بنابراین جنگ شناختی همان مبارزه فکری و شناختی است. اقداماتی از این قبیل، عموماً توسط خداوند متعال در قالب وحی، توسط رسولان و انبیاء پاسخ داده می‌شد و سعی در خنثا کردن این مجموعه عملیات بوده است، ولی ناگفته پیداست که موضع پیامبران و اولیاء الهی همیشه پاسخ دادن و واکنش منفعلانه نبوده، بلکه ایشان علاوه بر به رخ کشیدن قدرت نظامی، به عملیات و جنگ‌های روانی و شناختی علیه دشمنان خدای متعال اقدام نموده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم، به جنگ روانی

۲. تأثیر جنگ شناختی بر فکر و اختیار افراد

اگر جنگ را یک نوع رویارویی، مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم، در این جنگ هریک از طرفین به دنبال اهدافی هستند. هرگاه مهاجمی، جنگ نرم را علیه مجموعه‌ای آغاز کند، در جامعه هدف به دنبال دستیابی به چهار هدف عمده است:

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها؛ ۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها؛ ۳. ایجاد تغییر در رفتار؛ ۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی (ر.ک. رنجبران، ۱۳۸۸، ص ۳۳-۳۴). اساس و مبنا در جنگ نرم، تصرف قلب و مغز است. در این نوع جنگ افرادی که قلب و ذهنشان تصرف شده در راستای هدف دشمن خویش عمل می‌نمایند. به‌طوری‌که خود آنها خواسته‌های دشمن را محقق می‌کنند. عوامل جنگ شناختی با بهره‌گیری از روش اقناع و یا اغوا با مجاب‌سازی و تبدیل ادراک به دنبال آن هستند تا افکار و اندیشه و ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار دهند. دشمن در این زمینه از روش مدیریت ادراک بهره می‌برد. دشمن برای رسیدن به هدف خود، می‌کوشد تا مبانی و اصول ایدئولوژیک خویش را در میان مردم جامعه هدف، ترویج دهد؛ آنگاه با ابزارها و روش‌های القائی، اقدامات خود را عملیاتی کند (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۷). غرب در زمینه جنگ سخت، تجربه چندان موفق در جهان اسلام ندارد؛ اما در زمینه جنگ نرم، تجربه‌های موفق و تاریخی در اختیار دارد؛ تجربه اندلس. جنگ نرم غرب مسیحی، علیه اندلس موجب شد که تقریباً تمام آثار اسلامی آن دیار از بین برود؛ سرزمینی که در طول تقریباً هفت قرن شاهکارهای علمی، فرهنگی و هنری فراوانی پدید آورده بود و اندیشمندان بزرگی چون ابن‌رشد و ابن‌عربی و ابن‌بطوطه را تحویل جامعه اسلامی داده بود. این سرزمین در اثر جنگ نرم و تغییر ذهنیت مردم و ایجاد شبهه در باورها و ارزش‌های آنان، به طور کامل به تسخیر غرب درآمد و همه سوابق درخشان و تمدن و فرهنگ فروزان، به تاریخ پیوست (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

تأثیر این جنگ‌ها بر اذهان است و درواقع افکار و اندیشه‌ها را هدف قرار می‌دهد. با رسوخ در افکار حریف می‌توان محاسبات او را تحت کنترل گرفت و یا مختل نمود. از طرفی اراده‌ای که از فکر و تعقل حاصل می‌شود، در اثر این جنگ می‌تواند تحت اداره دشمن باشد. ازجمله اصطلاحاتی که در زمینه جنگ شناختی یا نرم کاربرد دارد، نبرد محاسباتی است. به این ترتیب که در آن بازیگر عامل

طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین آنها می‌گردد (عبدی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در تعریف جنگ شناختی نیز چنین آمده است: «دستکاری در عقاید، از راه به کار گرفتن یک یا چند رسانه ارتباط جمعی مثل ماهواره، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، برای ناتوان کردن دشمن. این عملیات با هدف ایجاد نگرش منفی در مردم، القای یأس و نومیدی، ترغیب مردم به انجام کنش‌های اعتراض‌آمیز، ایجاد اختلاف و شکاف در میان جامعه مخاطب به‌خصوص نسل جوان، تأکید بر وجود ناامنی اجتماعی، انتشار اخبار جعلی و غیرواقعی و ایجاد هراس و نگرانی در میان افکار ملت‌ها، انجام می‌گیرد» (هاشمی و کیانا، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۲۶).

برخی جنگ نرم و شناختی را به یک معنا دانسته و ابعاد و خصوصیات هر دو را مشترک بیان کرده‌اند. در این باره چنین نوشته‌اند که جنگ نرم در تلاش برای ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فرهنگی نظام سیاسی است و نیروی مهاجم به دنبال بحران‌سازی برای حکومت مستقر و مشروعیت‌زدایی است. نیز در جنگ نرم عواطف، احساسات و اندیشه‌ها از طرف نیروی مهاجم هدف گرفته می‌شود (امیری، ۱۳۹۰، ص ۳۱). آنچه به عنوان جنگ نرم، روانی یا شناختی بیان شده است، از ابتدای مبارزه میان حق و باطل در جریان بوده است. تنها وسایل و ابزار بوده‌اند که تغییر کرده‌اند. بنابراین اینکه در زمان رسول خدا ﷺ وسایل ارتباط جمعی وجود نداشته است، تأثیر در اصل مسئله ندارد؛ زیرا ابزار مبارزه و جنگ مطابق نوع جنگ و شرایط زمانی و مکانی متفاوت بوده است.

رسانه‌ها، اعم از تلویزیون، مطبوعات، ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، عرصه‌های هنری ازجمله گروه‌های تئاتر و موسیقی، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد در شبکه‌های انسانی که با هدف خاصی تشکیل شده و عموماً درصدد تغییر فرهنگی جامعه هدف هستند، از ابزارهای جنگ شناختی یا نرم به‌شمار می‌روند. جامعه هدف در این جنگ‌ها جوانان، دانشجویان، فعالان اجتماعی، زنان، سیاستمداران، نخبگان عملی و فرهنگی و اساتید هستند. رسانه‌ها با تأثیر در عقاید، ارزش‌ها، تصویرها، درک‌ها و ذهنیت‌های جامعه، بستر را برای قانع‌سازی و قبول فراهم می‌کنند و در نتیجه پیام‌ها، نمادها، خبرها و اطلاعات اهمیت ویژه پیدا کرده‌اند. در جنگ شناختی و نرم، رسانه‌ها ذهن‌ها و دل‌های مخاطبان بسیار وسیعی را در کشورها و جوامع مختلف هدف قرار داده‌اند تا بتوانند نیروی نرم یک گروه یا کشور حریف یا دشمن را ضعیف کنند (جوانی، ۱۳۹۸، ص ۵۱).

برخی از راهبردهای قرآنی برای مبارزه با مبانی فکری و روش‌های مبارزه در دو بخش بیان می‌شود:

۳-۱. در مواجهه با دشمنان

راهبردهای قرآن کریم در مواجهه با دشمنان را می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۱-۱. ایجاد تزلزل در باور و اعتقاد دشمن

اولین و اصلی‌ترین راهبرد خداوند متعال در برابر دشمنان، اعم از کافران، مشرکان و منافقان، حمله به باورهای الحادی آنان بوده است. این امر در قرآن کریم در برابر تفکرات مختلف به صورت‌های گوناگون مطرح شده است. به این صورت که در مقابل تفکرات الحادی زندقه، دهری، ماتریالیست و آتئیست با روشی خاص حمله نموده و در برابر مشرکان بت‌پرست و اهل کتاب به نوعی دیگر، منافقان را نیز با روش دیگری به چالش کشیده است. بنابراین لازم است تا به صورت جداگانه راهبرد قرآنی در مورد این دسته‌ها بیان شوند:

الف. حمله و تزلزل در باور دشمن ملحد (دهری، ماتریالیست و آتئیست)

تفکر الحادی دهری از گذشته‌های بسیار دور تاکنون در میان مردم طرفدارانی داشته است. مبانی اساسی این گروه این است که اعتقاد به خدا نداشته و جهان را ازلی و ابدی می‌داند (معلوف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴۱). از نمونه‌های آن می‌توان به آیین جین در هند اشاره نمود که از میانه هزاره اول پیش از میلاد به وجود آمد. در این آیین وجود هر موجود متعال یا خدا انکار می‌شود و از دیدگاه آنان این جهان همیشه بوده و هرگز خلق نشده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۶۷-۷۰). این تفکر تا به امروز ادامه داشته و با عناوینی همچون ماتریالیسم خود را نشان داده است. در این مکتب اصالت به ماده است و روان هیچ اصالتی ندارد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰). آتئیسم هم همان بی‌خدایی و خداناباوری بوده و تنها عنوان تغییر یافته است. در هر صورت در میان اعراب جاهلی و هنگام نزول قرآن هم افرادی هرچند انگشت‌شمار در جرگه آتئیست‌ها بوده‌اند. شواهدی از آیات و تاریخ نشان می‌دهد که این افراد با انبیاء الهی و رسول‌الله ﷺ تقابل داشته‌اند. دهریون عده اندکی از جماعت اعراب جاهلی را قبل و حین

می‌کوشد تا با اختلال و تغییر دستگاه محاسباتی بازیگر هدف، بر اراده او اثر بگذارد و در نتیجه، رفتار او را تحت کنترل درآورد یا تغییر دهد. به گونه‌ای که هدف‌های بازیگر عامل را محقق سازد یا هدف‌هایی مغایر با اهداف او را دنبال نکند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۱). در این نوع جنگ، بازیگر عامل با ابزارهای گوناگون، شامل ابزار سخت و نرم مانند دیپلماسی، بیانی، قطعنامه، عملیات روانی رسانه‌ای، فریب راهبردی، کوشش دارد تا نیروی محاسبه و درک بازیگر هدف را مختل نموده و در نهایت دچار خطای محاسباتی کند. اساساً در این نوع نبرد، نظام تصمیم‌گیری مخاطب خواست عاملان در کانال خاصی قرار گرفته و در راستای منافع آنها پیش می‌رود. در این جنگ‌ها سیاست‌مداران، فرماندهان نظامی و متخصصان و مجریان جنگ‌های روانی، بنا بر بینش و نوع تفکر حاکم بر افراد خودی و نیروهای دشمن برای تحریک احساسات آنان برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند (هاشمیان فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۹۰).

۳. راهبردهای قرآن در مبارزه با مبانی فکری دشمن

بیان شد که از دیرباز تاکنون دشمنان انبیاء و اولیاء با هر روشی به دنبال خاموش کردن نور هدایت الهی بوده‌اند و در این مسیر از عملیات‌های روانی، ترور شخصیت و جنگ شناختی بهره برده‌اند. قرآن کریم نیز برای رسیدن به هدف والای خویش دشمنان را به مبارزه طلبیده و علاوه بر ترغیب مؤمنان به قتال و جنگ نظامی، راهبردهای مؤثر دیگری را هم بیان کرده است که به عنوان جنگ نرم شناخته می‌شوند.

امروزه دشمنان خدا از هر راهکاری برای رسیدن به هدف خویش بهره می‌برند. رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری، اعم از ماهواره و اینترنت تا شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای در هم کوبیدن اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی به صورت گسترده فعالیت می‌کنند. هدف از ایجاد و گسترش این شبکه‌ها با رصدی جزئی کاملاً پیداست. با وجود این حجم از تبلیغات و ترویج افکار الحادی و اباحی‌گری که مسلماً دست شیاطین انسی و جنی در آنها هویداست، متدینان نباید منفعلانه برخورد کرده و تنها به پاسخ‌گویی به شبهات مطرح‌شده، بسنده کنند؛ بلکه با استعانت از حق تعالی نیازمند بهره‌برداری از راهبردی هستند که قرآن کریم برای مبارزه و حمله شناختی علیه دشمنان خدا، آموزش داده است. در همین راستا

مطرود و ممنوع شد. قرآن کریم برای هدف قرار دادن اعتقاد به بت و بت‌پرستی چندین نوع حمله را انتخاب کرده و راهبردی که بیان کرده امروزه نیز کاربرد دارد. راهبردها به شرح ذیل است:

– نسبت دادن جهل و نادانی

نسبت دادن نادانی به افراد خصوصاً افرادی که بدون هیچ‌گونه آگاهی و تخصص نسبت به مسائل نظر می‌دهند از دیدگاه عقل و عرف امری پذیرفته است. به این دلیل که هیچ فردی نمی‌تواند ادعای علم کامل داشته باشد و به همین عنوان می‌توان افراد را جاهل نامید. از طرفی افرادی که بدون تخصص و آگاهی و قطع، نسبت به مسئله‌ای نظریه‌پردازی می‌نمایند، همیشه مورد طرد افراد آگاه جامعه انسانی بوده‌اند. قرآن کریم با نسبت دادن جهل به بت‌پرست‌ها آنان را فاقد هر نوع علم و برهانی برای افکارشان معرفی کرده است: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یونس: ۶۸)؛ گفتند: خدا برای خود فرزند برگزیده است، خدا (از این تهمت‌ها) منزه است. آنچه که در آسمان‌ها و زمین است، به خدا اختصاص دارد. شما دلیلی برای این مدعا ندارید. آیا جا دارد آنچه را که نمی‌دانید درباره خدا بگویید.

در شأن نزول این آیه چنین گفته شده که جمعی از کفار قریش معتقد بودند ملائکه دختران خدایند و یهود، عُزیر را پسر خدا می‌دانستند و نصارا، مسیح را پسر خدا می‌پنداشتند. هر زمان به آنها اعتراض می‌شد که توالد و تناسل ملازم با ازدواج و جسمیت است، چنین پاسخ می‌دادند که خدا آنان را به فرزندی پذیرفته است. در نهایت آنان بر جهالت و نادانی و نسبت دادن این مطالب به خداوند سبحان تبویح شده‌اند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۴). این سخن سراسر برگرفته از جهل است و طبعاً هر سخنی که از روی جهل و نادانی و بدون برهان باشد، از طرف خرد و خردمندان باید مردود اعلام شود. همین راهبرد به‌عنوان یک جنگ شناختی کاربرد داشته و امروزه هم کاربرد دارد و در مقابل مشرکان می‌توان از آن بهره‌برداری نمود. مسیحیت امروزه نیز بر بُنوت (فرزند) عیسی معتقد است و هیچ برهانی برای آن اقامه نمی‌نمایند.

– تلقین بی‌استفاده بودن بت

ابراهیم علیه السلام برای تخطئه مشرکان عصر خویش به مبانی فکری آنها

ظهور اسلام تشکیل می‌دادند (عاطف الزین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۸). ابی‌بن خلف از جمله این افراد بوده است و آیه ۷۸ سوره «یس» در مورد او نازل گشته است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۴۵۸). مطابق تفسیر، وی استخوان مرده‌ای را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و بعد از خرد کردن قسمتی از استخوان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید که چه کسی قدرت دارد بر این استخوان پوشیده لباس حیات بپوشاند؟

خداوند متعال برای از میان بردن چنین اعتقادی، مبانی فکری آنان را هدف می‌گیرد. درعین حال به پرسش آنان هم پاسخ می‌گوید. قرآن کریم در پاسخ به این فرد، وی را به خلقت ابتدایی‌اش رهنمون می‌شود. درواقع خداوند متعال باور او به ازلی بودن دنیا و ماده را به چالش می‌کشد؛ چراکه حیات بخشیدن از هیچ از دید یک انسان مادی بسیار سخت‌تر از حیات بخشیدن به چیزی است که قبلاً وجود داشته است. «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه: ۲۴)؛ جز همین زندگی ما، در دنیا در کار نیست، گروهی از ما می‌میرند و گروهی زنده می‌شوند و چیزی جز دهر و گذشت روزگار، ما را هلاک نمی‌کند. در سوره انعام، آیه ۲۹ و سوره مؤمنون، آیه ۳۷ هم علاوه بر انکار خدای متعال، معاد نیز مورد انکار این عده قرار گرفته است. خداوند متعال هم در مقام پاسخ‌گویی از شبهه و هم متزلزل نمودن باور سست آنان، پیروی آنها از ظن و گمان را یادآور می‌شود جاثیه: ۲۴). به این معنا که ملحدین متهم به حرفی می‌شوند که هیچ علم، دلیل و برهانی برای آن اقامه نمی‌کنند. درواقع این کلام می‌فهماند که ملحدین خود، به مبانی خویش هم پایبند نیستند؛ زیرا عقیده‌ای را بیان کرده‌اند که به آن علم ندارند. امروزه نیز می‌توان این راهبرد را در برابر خداناباورها به کار گرفت؛ زیرا اعتقاد به ازلی و ابدی بودن ماده، خود نیازمند دلیل و برهان است و هیچ کدام از افرادی که باور به آتئیسم دارند، دلیلی مبنی بر اصالت ماده و ازلی بودن آن اقامه نکرده‌اند.

ب. حمله و تزلزل در باور دشمن مشرک

شرک به‌معنای قرار دادن شریک برای خدای سبحان است؛ این جریان نیز همانند بسیاری از مکاتب در تاریخ بشریت وجود داشته است. برخی به صورت عملی و ظاهری شرک خود را با پرستش و تقدیس بت‌ها و اصنام نشان می‌دادند و برخی دیگر با گفته و باورهای درونی. هر دو نوع شرک از نظر ادیان توحیدی و توسط پیامبران الهی،

۱-۳. تضعیف روحیه دشمن در برابر خداوند متعال و آیات او
از دیگر راهبردهای مورد توجه در جنگ شناختی با دشمنان می‌توان به ضعیف جلوه دادن دشمن اشاره نمود. همان‌گونه که دشمن به هر دستاویزی برای تضعیف روحیه مؤمنان چنگ می‌زند، خداوند متعال خود اقدام به اخلال در محاسبات دشمن نموده و با راهبردی ویژه آنها را به چالش می‌کشد. در این راهبرد، روحیه دشمن تضعیف شده و برای بازیابی راهی نخواهد داشت. این تضعیف درواقع راه‌های شناخت‌شناسی دشمن را هدف قرار می‌دهد؛ زیرا دشمن دین، معمولاً بر مبانی علوم تجربی در پی تکذیب دین، غیب، وحی، شیاطین، خدای متعال و دیگر مبانی دینی است. زمانی که در این روش به ضعف معرفت‌شناسی تجربی اشکال وارد شود، طبعاً در مبانی دشمن اختلال ایجاد خواهد شد. به عبارت دیگر، هنگامی که ضعف علوم تجربی آشکار گردید، استناد به آن هم متزلزل می‌شود. نشان دادن ضعف علم تجربی و هر آنچه که مبنای عقیدتی است، می‌تواند هدف از این راهبرد باشد. مبانی فکری و شناخت‌شناسی دشمنان دین، نوعاً خارج از عقل و تجربه یا نقل نیستند و این همه به واسطه تضعیف مبنا، درهم شکسته خواهند شد. قرآن کریم علاوه بر اشاره به عدم توانایی بت‌ها در هر اقدامی، مشرکان را با چالش روبه‌رو می‌سازد. از سوی دیگر، در برخی سوره‌ها حتی به چیزی اشاره می‌کند که مشرکان عرب، خود را در آن توانا و سرآمد می‌دانند. فصاحت، بلاغت و آشنایی با شعر و ادبیات در میان عرب جاهلی بسیار گسترش یافته و غنای زبان توانسته عرب را به شاعرانی چیره‌دست بدل نماید. قرآن کریم با در نظر گرفتن این امر و با اشاره به اتهاماتی که به رسول خدا ﷺ زده می‌شد، عرب را به مبارزه دعوت کرده و می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸). نشان دادن ضعف برای تضعیف روحیه از طرفی و پاسخ به اتهامات و ایجاد اختلال در نظام محاسباتی از اهداف نزول این آیه می‌تواند باشد. قرآن کریم در حرکتی بسیار جالب تمام بشریت را به مبارزه دعوت کرده و از جنس بشر، آفریدن موجودات از هیچ را خواستار شده و عجز او را به رُخش می‌کشد. ادعای دانشمندان علوم تجربی و جنس بشر، از ابتدای تاریخ، خودبرتربینی و خود اله‌پنداری بوده است. خداوند متعال برای از میان بردن این تکبر از بشر، خواستار آفریدن یک موجود می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ» (حج: ۷۳). این مثال گرچه در برابر مشرکان عرب ذکر شده، ولی با توجه به اینکه مخاطب همه مردم جهان هستند، «یا

حمله کرد که قرآن کریم در سوره «شعراء» بدان پرداخته است: «... قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۶۹-۷۴)؛ گفت: آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید، سخن شما را می‌شنوند؟ یا به شما سود و زبانی می‌رسانند؟ گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت عبادت می‌کردند. سؤالات ابراهیم ﷺ کاملاً منطقی و در سطح فهم و درک مشرکان بوده‌اند. وی از آنها چنین سؤال می‌کند که چه چیز را پرستش می‌نمایید و عبادت شما چگونه است؟ آنها در پاسخ از بت‌هایی می‌گفتند که از فلز و یا سنگ و یا چوب ساخته و از نظر آنها سبب توجه و تقرب به ارباب انواع بوده‌اند. ابراهیم ﷺ در اینجا این پرسش را مطرح نموده که عبادت و پرستش به منظور اظهار حاجت به پیشگاه معبود است تا آنچه را که حاجت دارد، مسئلت نماید و معبود نیز آن را شنیده و پاسخ دهد و حاجت و سؤال عابد را بپذیرد و برآورد، درحالی‌که اصنام نه می‌شنوند و نه می‌توانند خیر و شری برسانند؛ زیرا اجسامی بی‌جان و بی‌شعور هستند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷).

تلقین تبعیت کورکورانه

برخی از آیات قرآن به تقلید کورکورانه و بی‌برهان مشرکان از دیگران اشاره دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳)؛ همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبری انذارکننده نفرستادیم، مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور گفتند ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و به آثار آنها اقتدا می‌کنیم.

این آیات در زمینه بهانه اصلی مشرکان برای بت‌پرستی (یعنی عمل نیاکان به آن) را بیان داشته و این بهانه، به زمان نبی مکرم اسلام ﷺ اختصاص نداشته است. اسلام و ادیان الهی به دنبال رها کردن مردمان از زیر یوغ مترفین و مفسدین هستند و مترفین و ثروتمندان مغرور و مست برای تحمیق و تخدیر افراد به هر بهانه‌ای دست می‌زنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۱، ص ۳۸). از آن جمله بازگشت به دین آباء و اجدادی که از روی جهل بوده و تبعیت از آن تنها به دلیل عمل آنهاست. خداوند متعال یکی از پرکاربردترین راهبردها را برای حمله به مشرکان و حتی دیگر دشمنان بیان نموده و آن تخطئه مبانی فکری تقلیدی است.

ارزش عقلانی داشته و نقضی متوجه آنها نباشد. زمانی که دشمن از آوردن چنین براهینی عاجز باشد، حتماً در راهی که برای معرفت‌شناسی انتخاب نموده، دچار تردید خواهد شد. به همین دلیل است که قرآن کریم به این روش در جنگ شناختی اقدام نموده است.

۳-۱-۴. تخریب هدفمند نظریه‌پردازان دشمن

در برخی از آیات قرآن کریم با یک روش مبارزاتی مواجه می‌شویم که در آن شخصیت‌های دشمن گاهی به صورت خاص و گاه به صورت عام مورد هجمه هدفمند واقع می‌شوند. اساساً این شخصیت‌ها به دلایل مختلفی مانند مقام یا ثروت و یا عنوان علمی مورد توجه عموم هستند. به عبارت دیگر، غلبه مقام و جاه آنها نسبت به دیگران و یا ثروت آنها در چشم مردم باعث ایجاد کرنش می‌شود و گاهی علم سبب پیدایش حس تقلید از آنها می‌گردد. مؤلفه‌های دیگری هم می‌توانند موجب پذیرفته شدن آنها از جانب مردمان باشند و همین اصل سبب گردیده تا خداوند متعال روشی خاص را برای مبارزه با آنها بیان نماید. به نظر می‌رسد این برخورد برای سبک‌انگاری این دسته از دشمنان است تا ابتدا مردم را به بی‌اعتبار بودن ارزش‌های مادی آگاه ساخته و در مرتبه بعد، پوشالی بودن اینچنین افرادی را به آنها بنمایاند. نسبت اسراف به فرعون از جمله مواردی است که در قرآن به آن اشاره شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (غافر: ۴۳)؛ و فرعون در سرزمین [مصر] ستمگری سرکش بود و به واقع [با ادعای خدایی] عصیان و طغیان را از حد گذرانید.

اسراف امروزه با عنوان «مصرف‌گرایی» شناخته می‌شود و افراد بشر به پیامدهای آن کاملاً آگاه هستند. دشمنان خدا به واسطه تبعیت از افکار شیطانی نیز خود اسراف‌کارند و هم مصرف‌گرایی را ترویج می‌دهند تا به منافع شخصی خویش دست یابند. ناگفته پیداست که منابع زمینی محدود هستند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۰۸). در صورتی که بشر به سمت مصرف‌گرایی برود، بسیاری از افراد انسانی با کمبود مواجه خواهند شد. طبعاً مصرف‌گرایی و تولید بی‌رویه علاوه بر آسیب‌هایی که به طبیعت، منابع را از میان برده و زیان‌هایی که به محیط‌زیست می‌رسد، غیرقابل جبران خواهند بود. روشن است که افراد اسرافکار از دیدگاه عقلا و عرف مردم مذموم هستند و همین امر سبب شده تا خدای متعال با تخریب چهره این افراد، به مبارزه با آنها اقدام نماید. امروزه نیز این جریان ادامه دارد و کشورهای توسعه‌یافته مانند

اِيْهَا النَّاسُ»، اختصاصی به بت‌های سنگی و چوبی ندارد. تمام معبودهایی را که جز خدا می‌پرستند (اعم از فرعون‌ها و نمورها و بت‌های شخصیت‌های کاذب و قدرت‌های پوشالی و مانند آن) در این مثال شرکت داده و آنها نیز بر این مثال منطبق هستند. آنها نیز اگر دست به دست هم دهند و تمام لشکر و عسکرشان را جمع و جور کنند و اندیشمندان و فرزانشان را دعوت کنند، قادر به خلق مگسی نیستند. حتی اگر مگسی ذره‌ای از سفره آنها بگیرد، توانایی باز گرداندن آن را ندارند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۱۷۵).

۳-۱-۳. درخواست برهان از دشمن برای نشان دادن ضعف او

از دیگر راهبردهای قرآن کریم برای جنگ شناختی در میان دشمنان، می‌توان به آیتی اشاره نمود که در آنها از دشمنان، تقاضای برهان و حجت می‌کند: «أَمْ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نمل: ۶۴)؛ [آیا بت‌ها و خدایان متفرق بهترند] یا خداوند یکتایی که آفرینش مخلوق را اراده می‌فرماید و دوباره آن را [به نیستی] بازگشت می‌دهد، همان خدایی که به شما از نعمات آسمان و زمین رزق و روزی عنایت می‌فرماید؟ آیا خدای دیگری غیر از خداوند یکتای قادر متعال وجود دارد [که این نعمات را به شما ارزانی دارد؟] [ای پیامبر!] بگو: دلیل خود را ارائه دهید، اگر راست می‌گوئید.

این آیات اساساً ضعف برهان دشمنان را بیان داشته و به معرفت‌شناسی آنها حمله می‌کند. منطق برهان‌طلبی اسلام، حکایت از محتوای نیرومند و غنی آن دارد؛ زیرا سعی دارد با مخالفان خود هم برخورد منطقی داشته باشد. آیات قرآن مجید مملو از استدلال‌ات منطقی و براهین علمی در سطوح مختلف برای مسائل گوناگون است. این درست بر خلاف چیزی است که مسیحیت تحریف‌یافته امروز روی آن تکیه کرده و مذهب را فقط کار دل می‌داند و عقل را از آن بیگانه معرفی می‌نماید و حتی تضادهای عقلی (همچون توحید در تثلیث) را در مذهب می‌پذیرد. این در حالی است که اگر مذهب از عقل و استدلال جدا شود، هیچ دلیلی بر حقانیت آن وجود نخواهد داشت و آن مذهب و ضد آن یکسان خواهد بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۵۲۳). روشن است که درخواست برهان از مشرکان، اختصاص به آنها ندارد؛ بلکه می‌تواند از هر کسی که علیه اسلام و دین اقدام می‌نماید، درخواست شود. از طرفی براهین خواسته شده، باید

را هم کم خواهد نمود. خصوصاً اگر تخریب چهرهٔ چنین افرادی با دلایلی موجه صورت گیرد. دشمنان دین امروزه با شعارهای زیبا به فریب جوامع می‌پردازند؛ مانند آنچه در ملل غربی صورت می‌گیرد. این مسئله در قرآن کریم هم مورد عنایت واقع شده است (بقره: ۲۰۴). این افراد و گروه‌ها سوگند یاد می‌کنند که مصلح هستند (بقره: ۱۱). این افراد خود را مصلح دانسته و دیگران را سفیه و نادان معرفی می‌کنند (بقره: ۱۳). شعارهایی مانند حقوق بشر و حقوق زن و دیگر اعلامیه‌ها و اسناد بشردوستانه؛ این همه فریب افکار عمومی هستند. تبیین اندیشه‌های ملحدانه، مشرکانه و مزورانه این گروه‌ها برای جوامع انسانی، صد البته موضوعی است که به عنوان راهبرد قرآن می‌تواند معرفی شود؛ زیرا خداوند متعال گروه‌هایی نظیر اینها را با شناساندن رسوا ساخته و خطراتشان را گوشزد کرده است.

۳-۲- وظایف خودی‌ها

برای دانستن راهبردهای قرآن کریم به وظایف خودی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۲-۱. حفظ وحدت

ازجمله راهبردهایی که قرآن کریم برای مبارزه با دشمنان بیان نموده، حفظ وحدت و در عین حال، تبعیت از حاکم امت است. طبعاً هیچ چیزی به اندازه وجود اختلاف در جبهه حق نمی‌تواند دشمن را به هدف خویش نزدیک نماید. دشمن به هر ترتیب که شده به دنبال ایجاد اختلاف و خلل در میان امت برای پیشبرد اهداف خود خواهد بود. خداوند متعال، نسبت به تمام امور، عالم مطلق بوده و راهکارهای دشمنان را می‌داند و به همین دلیل برای مبارزه، راهبردی را تعیین نموده و به جبهه حق دستور اجرای آن را داده است. روشن است که این راهبرد با نگاهی کاملاً جامع نسبت به آینده تدوین و بیان شده است. در آیات قرآن این راهبرد به دو صورت بیان شده است:

الف. به صورت ایجابی

از دیدگاه برخی مفسران، مراد از «حبل الله» در آیه ۱۰۳ آل عمران که مسلمانان را به تمسک و اعتصام به آن سفارش نموده، «قرآن» است. به عقیده ابن عباس و ابی‌زید، مقصود از حبل الله، «دین اسلام» است. ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمودند:

ایالات متحده، بدون ملاحظه، فرهنگ مصرف را به دیگر کشورها تحمیل نموده و سبب تخریب منابع کره زمین و از میان رفتن محیط‌زیست و در نهایت زیان‌های گسترده به انسان‌های بی‌گناه می‌شوند. راهبرد قرآن کریم در مواجهه با چنین افرادی تخریب چهره و روشنگری علیه آنهاست. قرآن کریم گاهی دانشمندان بی‌عمل را هدف تخریب قرار داده است. چهره‌های علمی به دلیل نفوذ کلام در میان جوامع انسانی همیشه مورد توجه و محل رجوع مردم بوده‌اند. مجامع علمی و دانشمندان تا زمانی که در مقابل خدای متعال و مردم نباشند مورد احترام هستند، ولی هنگامی که از شیطان تبعیت نموده و سعی در تخریب خداواری داشته و در پی مطامع و هواهای نفسانی خویش بروند، مورد هجمه قرار خواهند گرفت. راهبرد قرآن در مقابل این افراد تخریب چهره آنان و شناساندن به مردم است؛ زیرا این افراد دانش خود را در راه نفسانیت و شیطان به کار می‌برند. خداوند متعال این افراد را از چارپایان پست‌تر معرفی می‌نماید: «مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵)؛ وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می‌کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

چنانچه بشر، نیروی بینایی و شنوایی خود را بر اساس فکر و خرد کار نبرد، از مقام انسانیت سقوط نموده و از الهامات ملکوت غیبی بی‌بهره گشته و در صف چهارپایان قرار می‌گیرد. ضرر و خطری بیش از این برای بشر تصور نمی‌رود؛ زیرا نعمت‌های بی‌شمار پروردگار را کفران نموده و بهره‌ای جز محرومیت همیشگی و استحقاق عقوبت ابدی نخواهد داشت. این گروه از مردم، پست‌تر از چهارپایان و درندگان هستند. حیوان درنده هرگز دست به جنایت نمی‌زند و چنانچه بر حیوانی دست بیابد، به طعمه خود دست یافته، اما بشر با نیروی حیل و سلاح نیرنگ، بدون نیاز هم، دست به سخت‌ترین جنایت‌ها می‌زند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۴۴). بنابراین برای تخریب مبانی فکری افرادی که به دشمنی با دین الهی دست می‌زنند، یکی از راهکارها تخریب نظریه‌پردازان دشمن است؛ چنان که خداوند متعال در مورد دانشمندان یهود فرموده است (جمعه: ۵)، خوار شدن این افراد در چشم مردم، استقبال از آنها

حبل الله ما هستیم و معتقد است که مراد آیه، «ائمہ طاهرین» است. بهترین قول اینکه می‌توان آیه را به تمامی این معانی حمل نماییم (داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۳۴۵). در سورة انفال، آیه ۴۶ به تبعیت از رسول الله ﷺ فرمان داده شده است. این آیه هم بنا بر ایجاب وحدت با تبعیت از پیامبر اکرم ﷺ دارد.

ب. به صورت سلبی

آیات قرآن هر نوع اختلاف و مخالفت با رسول خدا ﷺ را سرزنش نموده‌اند: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۱۱۵)؛ و هر کس پس از آنکه راه راست برای او مشخص شده، با پیامبر مخالفت ورزد و راهی سوی راه مؤمنان برگزیند، وی را به همان سوی که روی کرده واگذاریم و [سرانجام] او را به دوزخ درافکنیم و چه بد بازگشتگاهی است. در آیه ۱۳ انفال همین مطلب دیده می‌شود. شدت بیان شده در آیه به خاطر حفظ نظام اجتماع و برطرف کردن اختلال و فساد در میان مردم باشد. شقاق اگر در امور خارجی صورت بگیرد و یا در امور معنوی ملازم با به هم خوردن نظم و اختلال در امور جامعه و پیدایش فساد و اضطراب در برنامه‌های زندگی مادی و معنوی خواهد بود. در صورتی که این شکاف و شقاق در برنامه الهی باشد، بیشتر موجب فساد و اختلال در نظم خواهد شد و هم عقاب و مجازات بیشتری خواهد داشت؛ زیرا که او با خداوند مقابله کرده است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۰۰).

۳-۲-۲- بهره‌گیری از فرصت‌ها

یکی دیگر از راهبردهایی که قرآن کریم برای پیروان خویش برای مبارزه با دشمنان در نظر گرفته، عدم اتلاف وقت برای کسانی است که به هر دلیل به دنبال شنیدن موعظه و یا براهین مفصل نیستند. این راهبرد در این مقال با عنوان عدم وجود اقتناع‌سازی شناسانده شده است. ابراهیم ﷺ در مواجهه با بت‌پرستان و دیگر مکاتب خودساخته بشری این‌گونه برخورد می‌نماید: «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لَآبِيهِ اَزْرَا تَتَّخِذُ اَصْنَامًا اِلٰهَةً اِنِّىْ اَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَ كَذٰلِكَ نُرِىْ اِبْرَاهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِيَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَاٰ كَوْكَبًا قَالْ هٰذَا رَبِّىْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا اُحِبُّ الْاٰفِلِيْنَ فَلَمَّا رَاٰ الْقَمَرَ بَازِعًا قَالْ هٰذَا رَبِّىْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِىْ رَبِّىْ لَآكُوْنَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّيْنَ فَلَمَّا رَاٰ الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالْ هٰذَا رَبِّىْ هٰذَا

اَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالْ يٰ قَوْمِ اِنِّىْ بَرِىُّ مِمَّا تَشْرِكُوْنَ» (انعام: ۷۴-۷۷)؛ و به یاد آور وقتی که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بت‌هایی را خدایان خود می‌گیری؟ من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می‌بینم. و اینچنین به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان می‌دهیم و برای اینکه از یقین‌کنندگان گردد. پس همین که شب او را پوشانید ستاره‌ای را دید، گفت: این پروردگار من است. سپس همین که غروب کرد گفت: من غروب‌کنندگان را دوست ندارم. پس از آن وقتی که ماه را دید که طلوع کرد، گفت: این پروردگار من است سپس ماه که غروب کرد، گفت: اگر پروردگار من، مرا هدایت نکند از گروه گمراهان خواهم بود. در این آیات ابراهیم ﷺ به دنبال بحث‌های مفصل و جدل با بت‌پرستان و مشرکان نیست. بلکه تنها به تخریب مبانی فکری دشمن اقدام نموده و در همان جا در پی گرفتن نتیجه نیست؛ زیرا این کار، گاه موجب فرصت‌سوزی است. بنابراین تنها به تخریب مبانی فکری و اتمام حجت بسنده می‌نماید. قرآن کریم به رسول اکرم ﷺ در آیه ۳ سورة شعراء چنین فرموده است: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ»؛ [ای پیامبر] چه‌بسا که جان خود را از شدت غم‌خواری بر بی‌ایمانی [این مردمان] از دست بدهی. در آیه ۸۲ سوره نحل هم به همین ترتیب وظیفه پیامبر ﷺ را تبلیغ و رساندن پیام الهی در فرصت محدودش معرفی نموده است.

۳-۲-۳- حفظ برتری علمی

علم، علم‌آموزی و آموزش از دیدگاه آموزه‌های دینی بسیار ستوده و سفارش شده است. علم‌آموزی به اندازه‌ای پراهمیت است که علما و دانشمندان هم تراز پیامبران الهی خوانده شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲) و فراگیری دانش بر تمامی مسلمین واجب شمرده شده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۵). راهبرد قرآن کریم برای مبارزه با دشمنان، ایجاد بستری برای علم‌آموزی و گسترش دانش از طرفی و نیز برتری علمی است. انسان به دلیل جهل و نادانی و حس کمال‌جویی که دارد، همیشه خود را به دنبال رفع جهل می‌بیند. به همین دلیل، دانش را تعقیب کرده و دانشمندان را ارج می‌نهد. خالق هستی بر تمام ابعاد وجودی مخلوق خویش آگاه است و به همین دلیل علم را که کمال است در کنار دیگر کمالات با عنوانی برتر قرار داده است (مجادله: ۱۱). پیروان دین الهی برای مبارزه با دشمن از همین راه باید پیروی کرده و سلطنت خویش را به واسطه علم و دانش بر دیگران اثبات نمایند. امروزه نیز دشمنان با همین روش وارد

منابع.....

- قرآن کریم.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰). جنگ نرم از تهدید تا مواجهه. تهران: شوریده.
- ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۶). جنگ نرم. تهران: دانشگاه افسری دانشگاه امام حسین ع.
- بابائیان، طیب و کرمی تالاندرستی، آرزو (۱۴۰۲). مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب. قرآنی کوثر، ۷۴، ۱۱۹-۱۴۴.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵). موج چهارم جنگ نرم، قم: زمزم هدایت.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پناهی، علی و رضوی، رسول (۱۳۹۶). بررسی مبانی اعتقادی و قلمرو برائت در پرتو آیات و روایات. پژوهشنامه حج و زیارت، ۴، ۷-۳۳.
- تقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید. تهران: برهان.
- جوانی، محمد (۱۳۹۸). رسانه‌های خبری در ناآرامی‌های اجتماعی. تهران: دانشگاه افسری امام حسین ع.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی.
- حق، عیسی و دیگران (۱۴۰۳). دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه. مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ۱۴، ۱۳۱-۱۵۵.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). انوار العرفان فی تفسیر القرآن. تهران: صدر.
- رنجبران، داود (۱۳۸۸). جنگ نرم، چ پنجم. تهران: ساحل اندیشه.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴). ادیان زنده جهان. قم: طه.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹). جنگ نرم، چ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- عاطف الزین، سمیع (۱۳۸۱). زندگانی پیامبر اکرم ع در قرآن. ترجمه علی چراغی. تهران: ذکر.
- عبدی، حسین (۱۳۹۰). جنگ نرم، چ سوم. قم: معارف.
- عراقی، عبدالله و دیگران (۱۴۰۱). واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن. مطالعات دفاع مقدس، ۴۱، ۱۴۱-۱۶۰.
- فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). استکبارستیزی در قرآن. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- کالینز، جان ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ. ترجمه کورش بابندی. تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: صدرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶). المنجد. ترجمه مصطفی رحیم‌نیا. تهران: صبا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب ع.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سیدتقی و کیانا، هانی (۱۳۹۲). جنگ سایبری. تهران: اخوان.
- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۸۹). جهاد دفاعی (الاصول و الزامات). تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

عرصه شده و برتری علمی خویش را دلیل بر حقانیت اعلام می‌نماید. شاید بتوان گفت غفلت مسلمانان و نیز عقب‌افتادگی علمی مانع از گسترش نفوذ اسلام شده است. درحالی‌که نگاه قرآن کریم راهبرد اصلی را تعیین نموده و رفعت مقام علما و دانشمندان، امری تکوینی است که متأسفانه از یاد رفته و مورد استقبال و اهتمام مسلمانان قرار نگرفته است. خصوصاً پس از قرون هفتم و هشتم هجری که جنگ‌های خانمان‌سوز و پدیده استعمار به وجود آمدند.

نتیجه‌گیری

با آنچه گذشت، چنین می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام برنامه‌ای جامع را برای هدایت بشر ایجاد کرده و علاوه بر دفاع از خود با براهین عقلی به مبارزه با دشمنان خود هم اقدام نموده است. مبارزاتی که قرآن و رسولان الهی انجام داده همیشه به صورت نظامی نبوده و جنبه‌های نرم و عملیات روانی هم داشته است. مبارزه‌ای که مبانی فکری دشمن را هدف گرفته و اجازه فعالیت به او را نمی‌دهد. همان‌گونه که دشمنان دین همواره و با روش‌های مختلف به دنبال از میان بردن مبانی فکری و نفوذ در قلب‌ها بوده‌اند، قرآن کریم هم از جنگ شناختی غافل نبوده است. خداوند متعال و انبیاء با هدایت الهی راهبردهای متنوعی را در عرصه‌های مختلف به کار برده‌اند. ازجمله این راهبردها که در طی قرون متمادی و در جغرافیای گوناگون ملل کاربرد داشته و دارند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ایجاد تزلزل در باور و اعتقادات دشمن؛
- تلقین ضعف در برابر خداوند متعال و آیات او؛
- درخواست برهان از دشمن و نشان دادن ضعف او؛
- تخریب هدفمند نظریه‌پردازان دشمن؛
- حفظ وحدت؛
- بهره‌گیری از فرصت‌ها؛
- حفظ برتری علمی.

البته آنچه گذشت به معنای بیان تمامی راهبردها نیست، بلکه می‌توان با کنکاش به موارد دیگری نیز دست یافت. مبارزاتی که دشمن در عرصه جنگ نرم و شناختی علیه جوامع اسلامی و متدین به راه انداخته، لزوم عمل به راهبردهای قرآنی را بیش از پیش به مسلمانان گوشزد می‌نماید. امروزه علاوه بر مبارزه مسلحانه و نظامی، تکلیف الهی می‌تواند تبیین محسنات دین اسلام بوده و در این راستا نیاز به تخریب مبانی فکری دشمن بسیار حس می‌شود.